



سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی
مرکز بررسی‌های راهبردی روابط فرهنگی

کارکرد پارادایمی به‌عنوان عاملیت راهبردی در زیست بوم جدید دیپلماسی فرهنگی

مریم خالقی‌نژاد

کارشناس گروه خط‌مشی‌گذاری مرکز بررسی‌های راهبردی روابط فرهنگی

نوع سند: یادداشت سیاستی

نسخه: عمومی

شناسه سند: ۵۰۳۱۶-۰۴۲۳-۰۶۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۳/۱۶

گروه: خط‌مشی‌گذاری روابط فرهنگی

پرونده: دیپلماسی فرهنگی نوین





مقدمه

تحولات ناشی از جنگ و مخاصمات نظامی، فارغ از نتایج میدانی و امنیتی، پیامدهای عمیقی در ادراکات عمومی، تصویر بین‌المللی دولت‌ها و الگوهای همبستگی فراملی بر جای می‌گذارند. تجاوز نظامی ایالات متحده و اسرائیل علیه ایران، علاوه بر ابعاد حقوقی و امنیتی، موجب بروز و تقویت همبستگی‌های مردمی با ایران در سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای شده است. اعتراضات خیابانی، حمایت‌های نمادین، کنش‌های مدنی و مشارکت‌های داوطلبانه انسانی در کشورهایمانند پاکستان، ترکیه، اسپانیا، عراق و... نشان داد که روایت رسمی قدرت‌های مسلط، تنها روایت مسلط در افکار عمومی جهانی نیست. در این شرایط که قشرهای مختلف در جوامع مدنی به حمایت از ایران برخاسته‌اند، افق‌های جدیدی را در اختیار ایران قرار داده است، وضعیتی که نه تنها به معنای پایان یا کاهش درگیری نظامی است، بلکه مرحله‌ای است که زیست‌بوم جدیدی پیش روی دیپلماسی فرهنگی ایران قرار داده و در حال بازتعریف تصویر ایران در اذهان ملت‌هاست. این وضعیت فرصتی استثنایی برای بازاندیشی در ابزارهای سیاست خارجی، به‌ویژه دیپلماسی فرهنگی، فراهم می‌آورد. در این چارچوب، به دلیل پررنگ بودن حمایت‌های غیردولتی در جنگ تحمیلی سوم، پارادایم‌های فرهنگی نه فقط به‌عنوان ابزار مکمل، بلکه به مثابه یکی از مؤثرترین سازوکارهای تولید و تثبیت قدرت نرم، اهمیت راهبردی می‌یابد.

تبیین مسئله: پساجنگ و تغییر میدان کنش دیپلماتیک

دوره پساجنگ، تنها مرحله بازسازی زیرساخت‌ها یا ترمیم مناسبات رسمی نیست، بلکه دوره رقابت روایت‌ها، ادراکات و حفظ سرمایه اجتماعی فراملی است که تا قبل از این به صورت کم‌رنگ و یا خفته بوده است. تجارب معاصر نشان می‌دهد که تصویر کشورها در اذهان عمومی جهان، بیشتر از طریق روایت‌های مردمی، رسانه‌ای، فرهنگی و نمادین شکل می‌گیرد، تا از طریق بیانیه‌های رسمی. در مورد ایران، جنگ اخیر موجب شده است که بخش‌هایی از افکار عمومی جهانی، ایران را نه فقط در قالب کلیشه‌های امنیتی گذشته، بلکه به‌عنوان کشوری در معرض تجاوز، دارای حق دفاع و برخوردار از پشتوانه مردمی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بازخوانی کنند و قدرت نظامی ایران در دفاع از خود و منطقه عیان‌تر شود.



این تغییر ادراکی سرمایه‌های شکننده، اما بسیار ارزشمند است. شکننده از آن جهت که اگر به‌درستی مدیریت و نهادینه نشود، به سرعت فرسوده و از ذهن‌ها پاک می‌شود، اما اگر درست هدایت شود، می‌تواند به پایه‌ای برای بازتعریف جایگاه ایران در نظم نوین تبدیل گردد. در این زمینه، پارادایم‌های فرهنگی به‌عنوان ابزار اتصال دولت به ملت‌ها و ملت با ملت و شبکه‌های غیردولتی وارد میدان می‌شود و توانایی حفظ و تقویت این سرمایه‌ها را دارد.

مصادیق عینی و ضرورت تبدیل فرصت به راهبرد

بر اساس چارچوب نظری قدرت نرم جوزف نای، توان تأثیرگذاری یک کشور، نه فقط از طریق زور، بلکه از طریق جذابیت فرهنگی، مشروعیت اخلاقی و اعتبار روایت‌ها شکل می‌گیرد. جنگ اخیر، به‌طور ناخواسته ایران را در موقعیتی قرار داده است که تصویر «ایران پیش از جنگ» و «ایران پس از جنگ» در ذهن بسیاری از ملت‌ها متفاوت شده است. کشورهای مختلف، اگرچه در اعلام مواضع خود متفاوت بوده‌اند (بعضاً برخی از آنها مدافع ایران و برخی مدافع متجاوزان و یا برخی بی‌طرفی خویش را اعلام کرده‌اند)، اما به جهت حفظ صلح، موضع میانجی‌گری فعال دارند. آنچه مهم است واکنش بازیگران و جوامع غیردولتی است که به‌عنوان یک ظرفیت و سرمایه‌های جدید برای جمهوری اسلامی ایران تلقی می‌شود که می‌بایست به آن توجه ویژه داشت. این ظرفیت‌های جدید را می‌توان به گروه‌های زیر تقسیم بندی کرد:

الف) - احزاب: در کشورهای مختلف، شاهد برخی جهت‌گیری‌های حمایتی از سوی سران احزاب و یا صدور بیانیه‌های مختلف از سوی آنها بوده‌ایم. برای مثال در ترکیه واکنش اوزگور اوزل رئیس حزب جمهوری‌خواه خلق که به حادثه مدرسه میناب واکنش‌های تندی داشته است. بیانیه محمود اریکان رئیس حزب سعادت با مضامینی همچون حملات پست و شرم آور اسرائیل و آمریکا علیه ایران و یا سند شرم خواندن بیانیه ریاض توسط این حزب و برگزاری تجمعات اعتراضی در برخی استان‌ها توسط اعضای این حزب، نمونه دیگر حزب وطن و بیانیه‌ای با این شعار است که حمله به ایران حمله به ترکیه است، رئیس حزب هدایار نیز زکریا یاپیچی اوغلو در بیانیه خود حملات این جنگ را متوجه همه جهان اسلام خوانده است، داوود اغلو نیز از حزب آینده در سخنرانی خود، در حمایت از ایران رویکرد متجاوزان را گاوچرانی و مبتنی بر برتری طلبی سفیدپوستان خوانده است و حادثه



مدرسه میناب را شرم‌آور توصیف کرده است. اینها نمونه‌های دیگری از حمایت احزاب از ایران در طول جنگ تحمیلی سوم است.

به‌عنوان نمونه دیگر، می‌توان احزاب کشور پاکستان را نام برد. حزب مسلم لیگ شاخه نواز شریف، حزب تحریک انصاف که دولت پاکستان را در حمایت از ایران به انفعال و ترس از آمریکا متهم کرده است. علامه ناصر عباس جعفری رئیس حزب مجلس وحدت مسلمین ضمن اعلام عزای عمومی، تجمعات مختلفی را سازماندهی کرده است و شعارشان «حمله به ایران، حمله به قلب جهان است» بوده است. همچنین حزب جماعت اسلامی پاکستان که حزب قدرتمند اهل سنت است و واکنشی مبتنی بر امت واحد داشته‌اند.

درمالزی نیز احزاب مختلفی مانند حزب همبستگی اندونزی، حزب PKB یا حزب ppp به حمایت از ایران پرداخته‌اند.

ب) - نخبگان، ستون نویسان روزنامه، دانشگاه و رسانه: طیف دومی که به‌عنوان سرمایه‌ها و فرصت‌های جدید پیش روی جمهوری اسلامی ایران آشکار شد را می‌توان در حوزه نویسندگان و نخبگان روزنامه‌ای و دانشگاهی نام برد.

در ترکیه، احمد حاکان در روزنامه حریت، اگرچه در ابتدا در خصوص عدم شناخت توانایی ایران قلم زده است، اما بعد از چند هفته از جنگ، از توانمندی‌های ایران نوشته و خود را یک ایران‌گرا نامیده است. مثال دیگر در حوزه روزنامه و ستون‌نویسان ترکیه در روزنامه جمهوریت است که نویسنده‌ای به نام مراد آغیرال، نتانیاهو را به فریب افکار عموم متهم کرده است و یا در همین روزنامه، محمدعلی گولر نیز از تاکتیک‌های شکست‌خورده آمریکا و اسرائیل نوشته است.

در پاکستان، نخبگان و صاحب‌نامانی مانند مولانا فضل الرحمان، علامه طاهر اشرفی، سید شهنشاه حسین نقوی، علامه ناصر مدنی (اهل سنت) و... در کنار روزنامه‌هایی همچون دوان، نوای وقت، جنگ و... از ایران دفاع و حمایت نموده‌اند.

در اندونزی، دانشگاه‌هایی مانند دانشگاه اسلامی اندونزی، پژوهشکده مطالعات بین‌الملل و برخی دیگر از این مراکز علمی به حمایت از ایران پرداخته‌اند. در عراق نیز عادل خالد رئیس انجمن هنردوستان عراق، دکتر محمد اللامی رئیس هنرمندان عراق، صادق محمد الربیعی رئیس انجمن فرهنگی مجالس البغدادی و پروفیسور علاء ناجی المولی رئیس



دانشگاه کوفه، مدرسه ابتدایی ذی‌قار و برخی کودکان‌ها مانند الورد در دیوانیه و یا خبرگزاری‌های مختلف مانند عالم‌الیوم و روزنامه‌الزمان، الشرق و... به حمایت از ایران و محکومیت آمریکا پرداخته‌اند.

ج) هنرمندان و ورزشکاران: یکی از مهمترین ظرفیت‌های مطرح شده در این حوزه، مربوط به هنرمندان و ورزشکاران است که دارای چهره‌های کاریزماتیک و مخاطبان خاص خود در همراهی افکار عمومی هستند. در ترکیه نمونه این ظرفیت‌ها را می‌توان مثال‌هایی همچون احمد تورگوت، فیلمنامه‌نویس ترکیه‌ای نام برد که به انتقاد شدید از حامیان حمله آمریکا و اسرائیل به ایران پرداخته است و یا خوانندگان و بازیگران مشهور دیگر ترکیه‌ای نیز در شبکه‌های اجتماعی از ایران دفاع نموده‌اند. در آمریکا و سایر کشورهای اروپایی نیز این موج بسیار پررنگ بوده است. به‌عنوان مثال سامی یوسف و چندین هنرمند آمریکایی و چهره سرشناس هالیوود، از جمله رزی اودانل، مارک رافلو، جک وایت، استیون کینگ و سوزان ساراندون با انتشار پیام‌هایی در شبکه‌های اجتماعی، حمله نظامی آمریکا و اسرائیل به ایران را محکوم کردند و سیاست‌های دونالد ترامپ را مورد انتقاد قرار دادند. نیکول جنس، بازیگر و اینفلوئنسر اسپانیایی در فضای مجازی نوشته است: «تعداد قربانیان حمله اسرائیل و آمریکا به یک مدرسه ابتدایی در میناب جنوب ایران، اکنون از ۸۵ کودک فراتر رفته است و...». لیام کانینگهام، بازیگر ایرلندی به جان باختن دختران در ایران در شهر میناب واکنش نشان داد و نوشته است: «کشتار دانش‌آموزان دختر دبستانی در ایران اکنون به ۱۸۵ نفر رسیده است. هر فردی که تلاش کند این اقدام بی‌منطق و هولناک را توجیه کند، یک بیمار روانی است». در پاکستان نیز بازیگرانی مانند نادیا خان، میشی خان، مایا علی، طلحه چودری و... به حمایت از ایران پرداخته‌اند.

در میان ورزشکاران نیز شاهد حمایت بسیاری از مانند شاهد آفریدی در پاکستان، باشگاه‌های ورزشی الشرطه العراقیه، نفت میسان و امثالهم در عراق بودیم.

بر اساس مصادیق ذکر شده در بالا، این ظرفیت‌ها همگی غیردولتی هستند که اکنون در مسیر دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران قرار دارند. اگر به‌موقع حفظ شوند، تأثیرات مثبتی خواهد داشت. با شبکه‌سازی پارادایماتیک می‌توان در تولید روایت‌های بدیل از پایین به بالا، ساخت اعتماد اجتماعی فرامرزی، تقویت روابط و ارائه تصویری انسانی، فرهنگی و تمدنی از ایران به کار گرفته شود؛ دستاوردی که تنها از مسیر دیپلماسی



رسمی قابل انتقال نیست. اگر این فرصت به‌درستی استفاده نشود، به‌سرعت از دست می‌رود و میدان روایت و تصویرسازی به رقبا واگذار می‌شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادهای سیاستی

دورهٔ پساجنگ به‌عنوان لحظه‌ای بی‌بدیل در بازآرایی شناختی، شکافی در روایت‌های تثبیت‌شده از ایران ایجاد کرده و بستر اجتماعی بی‌سابقه‌ای از همدلی و همبستگی‌های فراملی فراهم آورده است. این سرمایه‌شکننده و گران‌بها، نه از مسیر دیپلماسی رسمی، بلکه در قالب واکنش‌های خودجوش مردمی، حمایت نخبگان فکری، هنری، حزب‌ها و رسانه‌ها و اعلام هم‌سرنوشتی فرهنگی متبلور شده است. پارادایم‌های فرهنگی، حیاتی‌ترین ابزار برای تبدیل این ادراک مقطعی به ساختار پایدار قدرت نرم است. حفظ و توسعهٔ ظرفیت‌های پارادایماتیک پساجنگ که ناشی از تجاوز آمریکا و اسرائیل به ایران است، بسیار حیاتی می‌باشد. پارادایم‌های فرهنگی می‌تواند ایران را از موقعیت «موضوع بحران»، به جایگاه «کنشگر همبستگی‌ساز» ارتقا دهد؛ مشروط بر آنکه این فرصت، به‌موقع شناسایی، نهادینه و راهبردمند شود.



راهکارهای عملیاتی

گروه هدف	راهکار	اقدامات کلیدی
احزاب	تشکیل شبکه احزاب حامی صلح و حقوق بشر	- شناسایی احزابی در کشورهای مانند ترکیه، پاکستان، مالزی و اندونزی و ... که از ایران حمایت کرده اند - دعوت و تشکیل جلسه افتتاحیه شبکه احزاب - برگزاری نشست‌های منظم فصلی - تدوین برنامه‌های مشترک بیانیه‌نویسی و تجمعات حمایتی در مواردی که در منطقه و جهان مشترک باشد (تقاضامحور عمل کردن)
	برگزاری برنامه‌های آموزشی تخصصی برای رهبران احزاب	- دوره‌های زبان فارسی - طراحی پروژه‌های مشترک
نخبگان، نویسندگان، روزنامه‌ها و دانشگاه‌ها	راه‌اندازی پلتفرم علمی و رسانه‌ای مشترک و جمع‌آوری نوشته‌ها و انتشار مجموعه‌ها در فضای مجازی	- طراحی و راه‌اندازی وبسایت و پلتفرم چند زبانه - گردآوری مقالات، یادداشت‌ها و گزارش‌های منتشر شده توسط نخبگان، نویسندگان و روزنامه‌ها - تدوین و انتشار مجموعه نوشتارهای افراد شناسایی شده تحت عنوان «حامیان صلح» و «نویسندگان روایت صلح و حقوق بشر» در جنگ تحمیلی سوم - انتشار چاپی و دیجیتال این مجموعه‌ها به زبان‌های محلی و بین‌المللی - توزیع هدفمند در محافل علمی، فرهنگی و سیاسی کشورهای هدف
هنرمندان و ورزشکاران	تشکیل کانون سفیران افتخاری صلح (هنری و ورزشی)	- شناسایی هنرمندان و ورزشکاران شاخص در کشورهای هدف - سازماندهی کمپین‌ها و حضور در رویدادهای بین‌المللی - طراحی و راه‌اندازی کمپین‌های دیجیتال چندزبانه با همکاری چهره‌ها

کارکرد پارادایم‌سازی به‌عنوان عاملیت راهبردی در زیست بوم جدید دیپلماسی فرهنگی - ۱۴۰۵/۳/۱۶ - مریم خالقی‌نژاد

منابع:

گزارش رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در آنکارا، انتقاد شدید احمد تورگوت فیلم‌نامه‌نویس ترکیه‌ای از حامیان حمله آمریکا به ایران. ارسال شده در سامانه سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.

گزارش منتشر شده رایزنان فرهنگی در سامانه سازمان فرهنگ، با عنوان «گزارش تحلیلی مواضع (دولت‌ها، احزاب، شخصیت‌ها و افکار عمومی) کشورهای ترکیه، پاکستان، اندوزی، مالزی، افغانستان، هند و عراق در خصوص جنگ رمضان».

فراور (۱۴۰۴). واکنش بازیگران و سینماگران خارجی به حملات اسرائیل در ایران، قابل دسترسی است در:

<https://fararu.com/fa/news/903711/%D9%AA%D8%AV%DA%A9%D9%A7%D8%B8->

شرق (۱۴۰۴)، واکنش هنرمندان جهان دربارهٔ حمله به کشورمان، قابل دسترسی است در:

<https://www.sharghdaily.com/%D8%A7%D8%A7%D8%B5-%D8%B1%D9%AA%D8%B7%D9%A7%D8%AV%D9%A0%D9%AV-10-10-9120V-%D9%AA%D8%AV%D8%A9%D9%A7%D8%B5->